

## معیارهای تحول در رشته اقتصاد از دیدگاه متخصصین شاغل در بازار کار

حسین صادقی<sup>۱</sup>

حمید آسایش<sup>۲</sup>

محمد رضا محمدی<sup>۳</sup>

### چکیده

با عنایت به دلایل مختلف امروزه اصلاح دوره کارشناسی رشته اقتصاد و حذف گرایش ها در راستای تحول علوم انسانی مورد تاکید قرار گرفته است، لیکن بررسی نظر دانش آموختگان رشته شاغل در بازار کار حاکی از این موضوع می باشد که طبق نظر نمونه ۳۵۰ نفری از متخصصین اقتصاد با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی از بین اقدام های اصلاحی از قبیل تقویت دروس اسلامی، تقویت دروس کلیدی، بومی سازی و تقویت دروس مرتبط با اقتصاد ایران، معرفی دروس بین رشته ای به منظور تقویت قدرت تحلیلی دانشجویان اقتصاد، معرفی دروس جدید به منظور آشنا کردن دانشجویان با مسائل جاری در اقتصاد منطقه ای و جهانی، عدم تحول در دروس فعلی و اضافه نمودن گرایش جدید کاربردی و تدوین چارچوب برای دروس، شاخص های مرتبط با ایجاد چارچوب مدون و مشخص برای دروس رشته و اضافه نمودن گرایش های کاربردی در رشته اقتصاد و معرفی دروس بین رشته ای دارای اولویت از دیدگاه بازار کار می باشد.

**واژگان کلیدی:** رشته اقتصاد، تحول، تحلیل سلسله مراتبی، گرایش

---

sadeghih@modares.ac.ir

hamid\_asaiesh@yahoo.com

Mrmohamadi51@gmail.com

۱. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

۲. استادیار دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)

۳. عضو هیات علمی دانشگاه امام خمینی نوشهر

## مقدمه

از اهداف مهم تدریس علم اقتصاد در هر جامعه، کمک به تنظیم مناسبات زندگی اقتصادی مردم بر اساس فرهنگ و بوم آن جامعه است. در این صورت، باید به ویژگی‌های علم اقتصاد توجه ویژه‌ای کرد. و تدریس اقتصاد با رویکرد بومی‌سازی و نوین‌سازی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بومی‌سازی اقتصاد در هر جامعه، از یک طرف، مستلزم توجه محوری به ساختار، شرایط و واقعیت‌های اقتصادی و از طرفی دیگر، توجه به ارزش‌های آن جامعه است.

بنابراین، اهداف کلی علم اقتصاد به اختصار عبارت‌اند از: نخست، تحلیل سلوک و رفتار عملی انسان در زندگی اقتصادی؛ دوم، تحلیل سلوک و رفتاری که انسان بر مبنای ارزش‌های پذیرفته‌شده در زندگی اقتصادی، از خود نشان می‌دهد؛ و سوم، تجویز راهکارهای مناسب برای تحقق بایدها و ارزش‌های پذیرفته‌شده. از آنجا که علم اقتصاد دایماً در تحول و پیشرفت است، تحقق این اهداف الزاماً مستلزم نوین‌سازی مستمر تدریس اقتصاد است.

امروزه اکثر اقتصاددانان توسعه و دانش‌آموختگان متفق‌القولند که نظریه اقتصادی سنتی، تناسب محدودی با جریان‌های اقتصادی کشور دارد. شاید گونارد میردال، اقتصاددان برجسته سوئدی و برنده جایزه نوبل، در خصوص کاربرد نظریه‌ها و مفاهیم اقتصادی سنتی در کشورهای فقیر، بهترین اظهارنظر را کرده است: «وقتی نظریه‌ها و مفاهیمی که متناسب با شرایط خاص دنیای غرب طرح شده‌اند، بدون تناسب برای مطالعه کشورهای در حال توسعه که با شرایط دنیای غرب مطابقت ندارند، بکار می‌روند، عواقب وخیمی در انتظار است.»

امروزه، اساتید و دانش‌آموختگان و صاحب‌نظران اقتصادی، بیشتر با این نظریه‌ها آشنا هستند تا با واقعیت‌های اقتصادی جامعه خود. به همین دلیل، در دانشگاه‌ها علم از عمل جداست و کتاب‌های منتشر شده در زمینه‌های اقتصادی، یا کاملاً نظری هستند و یا صرفاً توضیح واقعیت‌اند. در زمینه ارتباط واقعیت‌ها با نظریه‌های اقتصادی نیز به ندرت به منابع قابل توجهی می‌توان دست یافت. بنابراین تحول علم اقتصاد در سایه تحول علوم انسانی از ضرورت‌های علم اقتصاد می‌باشد و در این تحول باید به کنش و واکنش متقابل از طرف نظام تولید علم و نظام اجرایی، توجه نمود. بطور کلی ساختار آموزشی با عنایت به عوامل مختلف از قبیل نیاز به تخصص‌ها در بازار کار، ارتباط با صنعت، حل مشکلات کشور و ... نیاز به اصلاح ساختار دارد که در این تحقیق به نحوه اصلاح ساختار در سطح کارشناسی اقتصاد از دیدگاه دانش‌آموختگان شاغل در بازار کار می‌پردازد.

## ادبیات موضوع

از نظر شهید صدر، علم اقتصاد عبارتست از: علمی که پدیده‌های اقتصادی را تفسیر می‌کند و ارتباطشان را با اسباب و علل آنها بیان می‌دارد. در واقع، علم اقتصاد، قوانین حاکم بین پدیده‌های عینی را کشف می‌کند. علم اقتصاد، پیوسته در عرصه اکتشاف پدیده‌های اقتصادی عینی و شناسایی علل و آثار و منعکس‌کننده قوانین و روابط بین آنهاست. پس رسالت دانش اقتصاد، کشف پدیده‌های اقتصادی و تحصیل علل و قوانین حاکم بر آنهاست. لذا دانش‌آموختگان اقتصاد باید بتوانند از این علم استفاده لازم را بنمایند. بطور کلی طبق چارچوب مشخصات کلی دوره کارشناسی رشته اقتصاد از تصویب برنامه فعلی رشته علوم اقتصادی در سطح کارشناسی سال‌های زیادی می‌گذرد و خلاصه‌ای از مراحل مختلف تصویب و بازنگری این برنامه به شرح ذیل به استحضار می‌رسد:

۱- برنامه آموزشی رشته علوم اقتصادی در تاریخ ۱۳۶۲/۱۱/۲۳ به تصویب ستاد انقلاب فرهنگی سابق رسید و پس از ابلاغ به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، در کلیه دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی که مجوز ارائه برنامه مزبور را داشتند به اجرا درآمد.

۲- پس از دو سال از اجرای برنامه یاد شده، کمیته برنامه‌ریزی آموزشی اقتصاد و امور بازرگانی به منظور ارزیابی - کارایی این برنامه، شروع به نظرخواهی از موسسات مجری نمود. بر اساس پیشنهادهای و اصلاحات رسیده از واحدهای

یاد شده، کمیته مزبور، تجدید نظر در برنامه کارشناسی مصوب را آغاز کرد و یک برنامه تجدیدنظر شده پیشنهادی تهیه کرد.

۳- برنامه اخیر مجدداً برای همه مؤسسات آموزشی مجری و همچنین به بخش های برنامه ریزی و آموزشی- وزارتخانه هایی که وزیر مربوط عضو شورای اقتصاد بودند و نیز به سایر مؤسسات اقتصادی کشور نظیر بانک مرکزی و بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران فرستاده شد. پس از دریافت پیشنهادهای و اظهارنظرهای مؤسسات نامبرده، تجدیدنظرهای برنامه کارشناسی اقتصاد از مهر ماه ۱۳۶۵ در کمیته برنامه ریزی آموزشی شروع شد و پیشنهادهای رسیده در جلسات هفتگی کمیته از تاریخ مزبور تا آبان ماه ۱۳۶۶ مورد رسیدگی قرار گرفت.

۴- نتیجه اقدامات فوق الذکر این بود که برخی ضوابط آموزشی مصوب تغییر کرد که از جمله آنها میتوان تقلیل واحدهای آموزشی دوره از ۱۶۶-۱۶۲ واحد به ۱۴۶-۱۴۲ را نام برد. تعدادی از وزارتخانه ها و مؤسسات اقتصادی کشور خواستار اجرای دوره کارشناسی علوم اقتصادی با تکیه بر زمینه تخصصی خاص شده بودند. بنابراین لازم بود که در این تجدیدنظرها، از تجربیات اجرای برنامه بهره برداری شود. سپس پیشنهادهایی که رسیدن به اهداف برنامه را تسریع میکرد به متن برنامه اضافه شد تا نیاز آموزشی مؤسسات متقاضی برای ارائه زمینه های تخصصی به نحو مطلوبی تأمین گردد. سرانجام، برنامه تجدیدنظر شده رشته علوم اقتصادی با ۱۴۵ واحد و شش گرایش (اقتصاد نظری، اقتصاد بازرگانی، اقتصاد صنعتی، اقتصاد حمل و نقل، اقتصاد پول و بانکداری و اقتصاد کشاورزی) تهیه گردید.

۵- مشخصات کلی، برنامه و سر فصل دروسی که در حال حاضر در دوره کارشناسی رشته علوم اقتصادی برای دانشگاه های کل کشور تعریف شده و در حال اجراست مربوط به سیصد و بیست و دو جلسه شورای عالی برنامه ریزی مورخ ۱۳۷۵/۳/۲۷ می باشد. در برنامه کنونی طول دوره کارشناسی علوم اقتصادی در هر شش گرایش چهار سال است و نظام آموزشی آن واحدی است. تمامی دروس در هشت نیمسال تحصیلی ارائه میشود. طول هر نیمسال تحصیلی ۱۶ هفته است. مدت هر واحد نظری ۱۶ ساعت و هر واحد عملی ۳۲ ساعت در طول یک نیمسال تحصیلی است. تعداد واحدهای درسی برای هر گرایش در برنامه کارشناسی علوم اقتصادی ۱۳۵ واحد می باشد.

بطور کلی ایرادات متعددی درخصوص آموزش امروزه اقتصاد وجود دارد؛ بطور مثال در جوامع اسلامی ایران، لزوم تدریس اقتصاد با رویکرد اسلامی و بومی در عمل مورد نیاز است. با وجود نوظهور بودن مبحث اقتصاد اسلامی در میان مسلمانان و در ادبیات اقتصادی جهان، نیاز و اشتیاق به این موضوع باعث توسعه قابل توجه ادبیات اقتصاد اسلامی شده است. همگام با این روند توسعه، چندین دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی اقدام به برگزاری دوره های آموزشی در زمینه هایی از اقتصاد اسلامی در سطح کشورهای مسلمان و در مقاطع مختلف کرده اند. اما، یکی از محدودیتهای اساسی، به قابلیت های مدرسان، برنامه درسی و متون درسی باز می گردد. تا وقتی که مدرسان اقتصاد با رویکرد اسلامی، اقتصاددانانی متبحر و مسلط به مبانی علمی اقتصاد متعارف با تجربه تدریس و به ویژه تحقیق، کافی نباشند، شرط لازم موفقیت حاصل نیست. شرط کافی، اسلام شناس بودن این مدرسان و محققان است که بسیار فراتر از آشنایی آنها با فقه است. این آگاهی اسلامی به طور معمول، بدون تحصیل و ممارست جدی و بدون گام برداشتن در نظریه پردازی در این وادی، به طور مؤثر اسلامی نمی شود. "قیل و قالها" قابل اکتساب و کاربردی نیست و رویکرد اقتصاد با نقل البته، بدیهی است که به تناسب سطح توفیق مدرسان در تحصیل این قابلیت ها، درجات موفقیت در امر تدریس اقتصاد با رویکرد اسلامی متفاوت خواهد بود. یکی از مشکلات اساسی دیگر در این باره، به طور کلی، فقدان برنامه درسی و متون و مواد درسی مناسب و کافی برای تدریس اقتصاد با رویکرد اسلامی است. البته، بحث درخصوص هر یک از مقولات این مبحث، مستلزم غور در حوزه های جداگانه های از معرفت است که نه در استطاعت نگارنده و نه در حوصله این مقال است. بنابراین، در این مجال، بحث صرفاً به اقتصاد خرد محدود می شود. در براین این رویکرد در حوزه تولید علم سبب شد که براساس آمار فرهنگستان علوم، از ۸۰۰ عنوان کتاب منتشره در زمینه مباحث دانش اقتصاد در کشور، کمتر از ۲۰ عنوان به مباحث اقتصاد اسلامی اختصاص یابد و همین وضعیت برای مقالات علمی

پژوهشی انتشار یافته، رساله‌های مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری و سایر زمینه‌ها قابل تصور است. با این وصف، اگر فاصله تولید علم در دانش اقتصاد نظام آموزشی رسمی ایران را با مرز دانش جهان با میزان ذکر شده در بخش‌های پیشین مقاله به صورت مبنا در نظر بگیریم می‌توان دآوری کرد که تولید علم در زمینه اقتصاد اسلامی، با فرایند تولید علم اقتصاد در نظام آموزش رسمی فاصله قابل توجهی دارد و شکاف قابل توجه آن تا حد قابل توجهی معطوف به فقدان تقاضا بر این مباحث در سطوح گوناگون جامعه است.

همچنین شورای تحول بدنبال اصلاح رشته اقتصاد برآمد زیرا معرفی گرایش‌های شش‌گانه در دوره کارشناسی رشته اقتصاد مربوط به سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۴ می‌باشد که به دلایل ذیل حذف این گرایش‌ها و تقویت دروس کلیدی ضروری به نظر رسید، ضمن آنکه با معرفی دروس جدید میتوان دانشجویان دوره کارشناسی را با مسائل بیشتری در حوزه‌های اقتصاد اسلامی، اقتصاد ایران، اقتصاد جهان و بومی‌سازی نظریات اقتصادی آشنا نمود که نهایتاً موجب تقویت سرمایه انسانی در کشور خواهد بود.

**دلیل اول** هدف از دوره کارشناسی علوم اقتصادی تربیت کارشناسانی است که با کسب اطلاعات عمومی و جامع در رشته اقتصاد بتوانند:

- ۱- وارد مشاغل عمومی در بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی بشوند.
  - ۲- ظرفیت کافی برای کسب مهارت‌های تخصصی به دست آورند تا بتوانند در مشاغلی که نیاز به تخصص‌های فنی حرفه‌ای دارد (بانکها، بیمه، شرکت‌های تجاری و مالی تخصصی و نظایر آن) جذب شوند.
  - ۳- ظرفیت علمی کافی برای ادامه تحصیل در دوره‌های کارشناسی ارشد را کسب نمایند.
- با توجه به معیارهای سه‌گانه فوق‌الذکر به نظر رسید که ارائه یک دوره کارشناسی علوم اقتصادی (بدون گرایش) بتواند این اهداف را بهتر تأمین نماید.

**دلیل دوم** گرایش‌های موجود در دوره کارشناسی از چنان سطح تخصصی برخوردار نیست که دانش‌آموختگان کارشناسی با یکی از آن‌ها بتوانند مسئولیت‌های تخصصی در سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی را بپذیرند. این تخصص‌ها را می‌توان در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری ارائه نمود که قرار است در بازنگری برنامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری تقویت شود.

**دلیل سوم** سازمان‌ها یا نهادهای اقتصادی در بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی معمولاً در آگهی‌های استخدامی، متقاضی دانش‌آموختگان کارشناسی اقتصاد هستند و جز در موارد بسیار نادر تأکیدی بر گرایش ندارند. شاید در سال‌های گذشته چنین تأکیدهایی وجود داشته اما با توجه به گسترش دوره‌های کارشناسی ارشد تخصصی و دکتری در اقتصاد، هم‌اکنون دوره کارشناسی اقتصاد معمولاً به صورت یک دوره عمومی مدنظر قرار می‌گیرد و لذا سازمان‌های دولتی و خصوصی، بعد از استخدام دانش‌آموختگان دوره کارشناسی، رأساً دوره‌های کوتاه مدت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را برای این دسته از استخدام‌شدگان برگزار می‌نمایند.

**دلیل چهارم** با بررسی ۶۸ دانشگاه برتر جهان، ملاحظه شد که دوره کارشناسی علوم اقتصادی به صورت عمومی بوده و اساساً فاقد گرایش تخصصی می‌باشد.

همچنین دلایل دیگری نیز مطرح می‌گردد، در جامعه، تقاضا برای دانش و به‌طور خاص برای دانش اقتصاد عموماً به وسیله دو گروه صورت می‌گیرد: گروه اول، سیاستگذاران و مدیران دولتی (در سطوح ملی، منطقه‌ای و بخشی) که تصمیم‌های کلان را اتخاذ، و سیاستگذاری می‌کنند و گروه دوم مدیران بنگاه‌های بخش خصوصی که برای برنامه‌های توسعه‌ای خود نیازمند یافته‌های جدید پژوهشی و دستاوردهای نو علمی هستند.

همچنین منتقدان روش‌شناسی اقتصاد چند ایراد پیرامون آن مطرح کرده‌اند. کالدول صاحب نظر برجسته در روش‌شناسی اقتصاد، ضمن برشمردن این ایرادها، پاسخ‌گونه‌هایی به آنها میدهد که به مهم‌ترین آنها می‌پردازیم:

ایراد اول آن است که اصولاً یادگیری روش شناسی شرط اقتصاددان شدن نیست، بنابراین با توجه به کمیابی منابع، مناسب است دانشجویان در موضوعاتی چون اقتصادسنجی و سایر شعبات کاربردی اقتصاد، سرمایه گذاری کنند. ایراد یادشده مخدوش است زیرا پیش فرض مذکور احتمالاً این است که علم اقتصاد یک رشته یکنواخت، شفاف و با عناصر کاملاً تعریف شده است. بدیهی است که اگر این ادعا درست باشد نیازی به روش شناسی اقتصاد نیست. برخی از اقتصاددانان چنین فکر می کنند و ویژگی های فوق را برای اقتصاد پذیرفته اند و آنرا رشته ای تثبیت شده همانند فیزیک تلقی می کنند.

ایراد دوم این است که اصولاً روش شناسی به تجویز و قضاوت فیلسوفانه در مورد بهترین روش های علوم مربوط می شود. ولی فلاسفه با علم اقتصاد آشنایی ندارند، بنابراین دغدغه آنها با دغدغه اقتصاددانان ارتباط بسیار کمی دارد. کالدول این ایراد را نیز غیرقابل قبول تلقی می کند. کالدول می گوید این نوع اظهارنظرها و تجویزهای فلسفی پیرامون اقتصاد، لزوماً از سوی فلاسفه صورت نگرفته و عمدتاً اقتصاددانان به آن پرداخته اند. این اظهارنظرها گاهی از ناحیه اقتصاددانانی صورت گرفته اند که می خواهند چگونگی اقتصاد را بهتر بشناسانند (مثل ساموئلسون) و گاهی برای آن است که نشان دهند چگونه می توانیم اقتصاد را علمی تر کنیم (مثل تلاش بلاگ و هاجیسون). به عبارت دیگر، اصولاً اقتصاددان ها می خواهند رشته خود را علمی جلوه دهند، بنابراین ناچارند از روش شناسی استفاده کنند. همانطور که اشاره شد، یکی از پرسش های روش شناسی اقتصاد بحث علمی بودن و نبودن خود این رشته است. در این صورت طبیعی است که موضوع به فلسفه کشیده می شود.

سومین ایراد نسبت به روش شناسی آن است که بحث های روش شناسی به نتایج قطعی نمی رسند و شاید به این دلیل است که تنها گروه های فرعی اقتصاددانان به آن علاقمند هستند. البته این که منتقدان نظریه ارتدوکس نئوکلاسیک از روش شناسی استفاده می کنند، صحیح است. اما نمی توانیم آن ها را گروه فرعی تلقی کنیم و یا استفاده کنندگان روش شناسی اقتصاد را تنها منحصر به آنان بدانیم. هر تحلیل گر اقتصادی که بخواهد در مورد قوت و اعتبار نظریه های اقتصادی اظهارنظر و یا در مورد استحکام روش های تجزیه و تحلیل قضاوت کند، نیازمند مطالعات روش شناسی خواهد بود. بنابراین این امر به گروه کم و یا گروه زیاد و یا صرفاً منتقدان نظریه خاصی مربوط نمیشود. مثلاً نقد نظریه اقتصادی مارکسیستی یا نهادگرا توسط برخی از اقتصاددانان نئوکلاسیک نیز نیازمند پژوهش روش شناسی است. کار هر اقتصاددانی که به الگوسازی و آزمون نظریه ها اقدام می کند، بر روش شناسی استوار است. کالدول تصریح می کند که: «روش شناسی (گویی) مثل تفاسیر (و توصیفات)، همه جا حاضر است، بنابراین انکار آن، غرق شدن در ابهام (و کج اندیشی) را به دنبال دارد.»

### پیشینه تحقیق

درخصوص لزوم تحول در آموزش اقتصاد در ایران تحقیقات مختلفی از جنبه های خاص انجام شده است بطور مثال از در مقاله زراء نژاد (۱۳۹۲) بحث در مورد آموزش اقتصاد خرد با رویکرد بومی سازی و نوین سازی انجام شده است. از آنجا که علم اقتصاد دائماً در تحول و پیشرفت است، تحقق این هدف الزاماً مستلزم نوینسازی مستمر است. بنابراین، تدریس اقتصاد با رویکرد بومی سازی و نوین سازی ضرورتی اجتناب ناپذیر است. بومی سازی اقتصاد در هر جامعه، مستلزم توجه محوری به ساختار، شرایط و واقعیت های اقتصادی و توجه به ارزشهای آن جامعه است. این الزام در جوامع اسلامی، در عمل، به مفهوم لزوم تدریس اقتصاد با رویکرد اسلامی است. موفقیت در این امر مستلزم وجود اقتصاددانان اسلامشناس با سابقه تدریس و تحقیق کافی و مؤثر و تدوین متون و مواد درسی مناسب و کافی است. ب اساس نتایج این مطالعه، تدریس باید با بررسی و نقد مفهوم انسان اقتصادی آغاز گردد؛ سپس، برخی از ملاحظات روششناختی مورد بررسی قرار گیرد. در این زمینه، لازم است که نظریات علمی به عنوان مجموعه ای از گزاره های تبیین کننده روابط علی پدیده ها شامل پیش فرض ها، گزاره های ارزشی و گزاره های توصیفی معرفی شوند.

باورهای دینی و ارزش‌های اخلاقی در ساختار پیشفرضها و تکوین نظریات علمی کاملاً مؤثر هستند. همچنین، باید روش تفکر اقتصادی و شیوه به کارگیری رویکردهای خلاق آموزش داده شود و از ترویج صرف نظریه‌های اقتصادی احتراز گردد. نباید به پیش فرض‌ها و رویکردهای تحلیلی مسلط، ندانسته اعتباری ایدئولوژیک بخشید و بدون تأمل آن‌ها را پذیرفت و ترویج داد. برخلاف ادعای مسلط در ادبیات اقتصادی، رفتار واقعی انسان به شدت تحت تأثیر ملاحظات اخلاقی و برگرفته از مجموعه بسیار غنی از ارزش‌ها و ترجیحات است. شواهد تجربی نیز نشان داده است که در جوامع پیشرفته‌ای مانند آمریکا، آلمان، روسیه و جوامعی مانند قبایل کوچروی اندونزی، رفتار مردم بر مبنای خودخواهی نیست در شرایط موجود، با توجه به اقبال نسبی به رویکردهای اخلاقمدارانه و دینی به اقتصاد و تقاضای روزافزون جوامع اسلامی برای تدوین و تدریس اقتصاد با رویکرد اسلامی، باید تلاش مؤثر کرد تا متون اقتصادی با رویکردی اسلامی تدوین شود. در این ارتباط، تنظیم و ارائه سرفصل‌های دروس اقتصاد، به ویژه اقتصاد خرد، با رویکرد اسلامی برای تدریس در رشته اقتصاد در مقاطع کارشناسی و بالاتر بسیار مهم و لازم می‌نماید.

درخشان (۱۳۹۱)<sup>۱</sup> در مقاله‌ای با عنوان بومی‌سازی اقتصادی و اقتصاد اسلامی ملاحظاتی در رویکرد های تطبیقی و مبنایی، نخست به تعریف و بررسی اجمالی رویکرد های تقلیدی و بومی به نظریات اقتصادی رایج از دیدگاه اقتصاد اسلامی می‌پردازد و سپس مفاهیم بومی و بومی‌سازی را از دیدگاه حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری به اجمال مرور می‌کند. رویکرد بومی را با دو رویکرد تطبیقی و مبنایی تقسیم کرده و نشان می‌دهد که در رویکرد تطبیقی، نقد فروض پایه‌ای در نظریات اقتصادی منطق انتزاع در نظریه پردازی های اقتصادی به و تبیین کاستی های منطق انتزاع در نظریه پردازیهای اقتصادی به ویژه در شناسایی فعالان اقتصادی جایگاه آنان در نظریات اقتصادی به ویژه در شناسایی فعالان اقتصادی و جایگاه آنان در نظریات اقتصادی رایج می‌تواند ثمر بخش باشد. با وجود این، رویکرد تطبیقی فاقد ظرفیت کافی برای نظریه پردازی در اقتصاد اسلامی است و لذا نمی‌توان آن را در سیاستگذاری های اقتصادی بکار گرفت. مقاله بدین نتیجه رسید که رویکرد مبنایی، تنها راهکار برای بومی‌سازی اقتصاد و شرط لازم برای ساختن الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت می‌باشد.

### روش تجزیه و تحلیل

در این تحقیق از فرایند تحلیل سلسله مراتبی<sup>۲</sup> (AHP) جهت اولویت بندی شاخص های مؤثر بر تغییرات علم اقتصاد، استفاده می‌شود. AHP روشی است که در آن یک وضعیت پیچیده، به بخش های کوچکتر آن تجزیه شده، سپس این اجزا در یک ساختار سلسله مراتبی قرار می‌گیرد. این فرایند شیوه ای برای ساماندهی اطلاعات و قضاوت ها و بکاربردن آنها در تصمیم گیری براساس توانایی، احساسات و منطق موضوع مورد نظر ارائه می‌دهد، پس از آن قضاوت‌ها در قالب نتیجه ای با هم ترکیب می‌نمایند که با انتظارات درونی همخوانی دارد. از این فرایند برای طبقه بندی گزینه‌ها و تخصیص منابع می‌توان استفاده کرد. این فرایند گزینه های مختلف را در تصمیم گیری دخالت داده و امکان تحلیل حساسیت روی معیارها و زیرمعیارها را دارد، علاوه بر این مبنای مقایسه زوجی بنا نهاده شده، که قضاوت و محاسبات را تسهیل می‌نماید. همچنین میزان سازگاری و ناسازگاری تصمیم را نشان می‌دهد که از مزایای ممتاز این تکنیک در تصمیم گیری چند معیاره می‌باشد. فرایند طوری طراحی شده که با ذهن و طبیعت بشری مطابق و همراه می‌شود و با آن پیش می‌رود. این فرایند مجموعه ای از قضاوت ها (تصمیم گیری ها) و ارزش گذاری های شخصی به یک شیوه ی منطقی می‌باشد بطوریکه می‌توان گفت تکنیک از یک طرف وابسته به تصورات شخصی و تجربه جهت شکل دادن و طرح ریزی سلسله مراتبی یک مسئله بوده و از طرف دیگر به منطق، درک و تجربه جهت تصمیم گیری و

۱. درخشان، مسعود، (۱۳۹۱)، بومی‌سازی اقتصادی و اقتصاد اسلامی ملاحظاتی در رویکرد های تطبیقی و مبنایی، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، سال هفدهم، شماره ۵۲، ۷۱-۳۳

۲. Analytical Hierarchy process

قضاوت نهایی مربوط می شود. کلیه افراد اعم از دانشمندان اجتماعی و فیزیکی، مهندسان و سیاستمداران و حتی افراد عامی می توانند این روش را بدون استفاده از متخصصین به کار ببرند. امتیاز دیگر فرایند تحلیل سلسله مراتبی این است که ساختار و چهار چوبی را جهت همکاری و مشارکت گروهی در تصمیم گیری ها یا حل مشکلات مهیا می کند. فرایند تحلیل سلسله مراتبی با تجزیه ی مسایل مشکل و پیچیده آنها را به شکلی ساده تبدیل کرده و به حل آنها می پردازد. این روش کاربرد های فراوانی در مسائل اقتصادی و اجتماعی پیدا کرده است و در سالهای اخیر در امور مدیریتی نیز به کار رفته است. برای حل یک مسئله یا تصمیم گام های زیر باید برداشته شود :

- ساختن سلسله مراتبی
- محاسبه ی وزن
- سازگاری سیستم

### قلمرو تحقیق

در این تحقیق دانش آموختگان اقتصاد در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، دانشجوی دکترا و دکتری مورد بررسی قرار می گیرند که به طور عام جذب دیوان سالاری اداری و شرکتی شده، در مشاغل کارشناسی یا حوزه مدیریت میانی مشغول به امور اجرایی می شوند و عملاً در فرایند تولید علم در حوزه دانش اقتصاد نقش و تأثیری ندارند. بدین لحاظ که آنها به نمایندگی از بازار کار نیازهای فنی را بیان می نمایند. از نظر رده های شغلی آزمودنی های تحقیق در ۲ گروه دولتی و خصوصی به شرح جدول زیر تقسیم بندی شدند:

### جدول ۱. گروه شغلی پاسخ دهندگان

سطح	فراوانی	درصد فراوانی
کارمند دولت	۱۵۰	۴۲
کارمند شرکت خصوصی	۲۰۰	۵۸
کل	۳۵۰	۱۰۰

همچنین تمرکز قلمرو تحقیق به تفکیک سازمان ها عبارت از :

### جدول ۲. سازمان شغلی پاسخ دهندگان

سازمان ها	فراوانی	درصد فراوانی
بانک	۹۵	۲۷
بیمه	۸۵	۲۴
وزارتخانه و موسسه دولتی	۵۶	۱۶
سایر شرکت ها	۱۱۴	۳۳
کل	۳۵۰	۱۰۰

از نظر سطح تخصص اقتصادی، پاسخ دهندگان به شرح ذیل می باشند:

### جدول ۳. سطح تخصص پاسخ دهندگان

سطوح سواد	فراوانی	درصد فراوانی
کارشناسی	۱۹۹	۵۷٪
کارشناسی ارشد	۱۰۲	۲۹٪
دکترا یا دانشجو اقتصاد	۴۹	۱۴٪
کل	۳۵۰	۱۰۰٪

### تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس روش تحلیل سلسله مراتبی

پس از تعیین شاخص های اولیه تحول علوم اقتصاد در ادامه با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی به کمی سازی اولویت ها پرداخته می شود. بدین منظور ابتدا ساختار شاخص های اولویت بندی مشخص می شود. براساس برنامه تحول علم اقتصاد و بازنگری برنامه آموزشی دوره کارشناسی رشته و سایر منابع ضرورت ها و دروس پیشنهادی رشته اقتصاد از دیدگاه دانش آموختگان رشته بررسی خواهد گردید.



نمودار ۱. ساختار تحلیل



پس از تعیین ساختار تحلیل سلسله مراتب گام های زیر برداشت می شود:

(الف) طراحی پرسشنامه با استفاده از زیرمعیارهای استاندارد شده ، (ب) تعیین جامعه نمونه به صورت عمدی و توزیع پرسشنامه مزایق اطلاعات فوق، (ج) تعیین وزن هر یک از معیارها و زیرمعیارها نسبت به یکدیگر توسط گروه قضاوت کارشناسی براساس جدول مقایسه زوجی صورت خواهد گرفت. (د) عملیات محاسبه داده‌ها از طریق محاسبه میانگین هندسی و استخراج اولویت‌ها با «نرمال سازی» و محاسبه «میانگین موزون» و تعیین وزن نهایی جایگزین‌ها و در نهایت نرخ سازگاری که در روش "AHP" میزان نرخ ناسازگاری قابل تحمل کمتر از ۰/۱ در نظر گرفته شده است.

**اولویت بندی معیارها با استفاده از روش AHP**

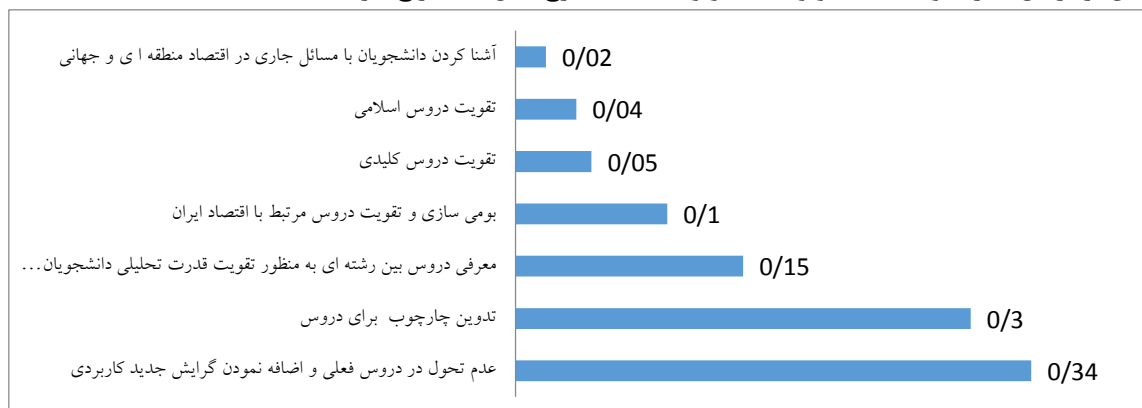
در زیر به اولویت بندی اقدامات لازم جهت اصلاح رشته اقتصاد استخراج گردیده اند پرداخت می شود.

### - تعیین ماتریس زوجی

جدول ۴. ماتریس زوجی

میانگین	تقویت دروس اسلامی	تقویت دروس کلیدی	بومی سازی و تقویت دروس مرتبط با اقتصاد ایران	معرفی دروس بین رشته ای به منظور تقویت قدرت تحلیلی دانشجویان اقتصاد	معرفی دروس جدید به منظور آشنا کردن دانشجویان با مسائل جاری در اقتصاد منطقه ای و جهانی	عدم تحول در دروس فعلی و اضافه نمودن گرایش جدید کاربردی	تدوین چارچوب برای دروس
تقویت دروس اسلامی	۱.۰۰	۰.۱۰	۱.۳۱	۰.۲۴	۰.۱۶	۰.۱۴	۰.۲۰
تقویت دروس کلیدی	۱۰.۳۱	۱.۰۰	۰.۱۴	۰.۲۳	۰.۱۱	۰.۱۸	۰.۵۵
بومی سازی و تقویت دروس مرتبط با اقتصاد ایران	۸.۳۹	۷.۱۸	۱.۰۰	۰.۰۸	۰.۳۲	۰.۱۶	۰.۳۹
معرفی دروس بین رشته ای به منظور تقویت قدرت تحلیلی دانشجویان اقتصاد	۴.۱۳	۴.۳۳	۱۱.۹۸	۱.۰۰	۰.۱۶	۰.۲۳	۰.۴۲
معرفی دروس جدید به منظور آشنا کردن دانشجویان با مسائل جاری در اقتصاد منطقه ای و جهانی	۶.۳۵	۹.۲۷	۳.۰۹	۶.۱۷	۱.۰۰	۰.۰۹	۰.۳۷
عدم تحول در دروس فعلی و اضافه نمودن گرایش جدید کاربردی	۷.۲۳	۵.۷۰	۶.۲۱	۴.۳۴	۱۰.۶۳	۱.۰۰	۰.۴۳
تدوین چارچوب برای دروس	۴.۹۰	۱.۸۱	۲.۵۹	۲.۴۰	۲.۷۰	۲.۳۱	۱.۰۰

پس از نرمال سازی و محاسب اولویت ها اولویت ها به شرح ذیل استخراج گردیدند.

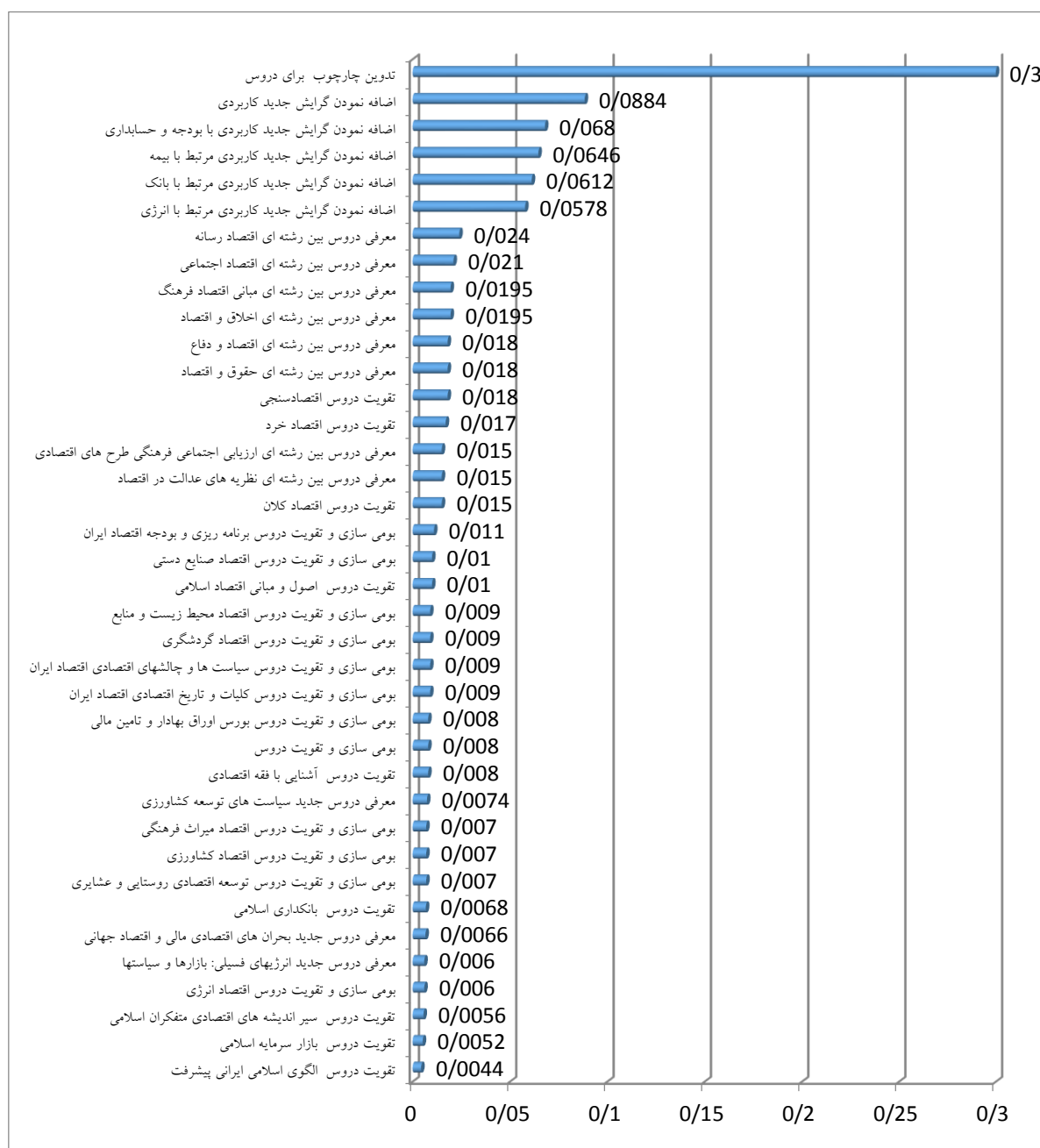


### نمودار ۲. اولویت معیارهای تحول رشته اقتصاد

همچنین نرخ ناسازگاری محاسبه شده برابر با 0.072 است که به دلیل اینکه کمتر از ۰,۱ استاندارد قابل تحمل تحلیل سلسله مراتبی می باشد، پاسخ‌ها سازگار می باشند. همین روند محاسبه در خصوص زیرشاخص‌های فرعی انجام شده است.

### اولویت بندی نهایی

در این قسمت به اولویت بندی کل زیر شاخص‌ها در تعیین اولویت اقدامات در خصوص اصلاح رشته اقتصاد پرداخته می شود. با توجه به نتایج بدست آمده از بخش‌های قبل این اولویت بندی به صورت زیر می باشد:



نمودار ۳. وزنهای نهایی تحلیل سلسله مراتبی

با توجه به نتایج بدست آمده ملاحظه آموزش اقتصاد دارد. در مرحله بعد اضافه نمودن گرایش های کاربردی و اضافه نمودن دروس بین رشته ای ، بیشتر مورد تقاضای شاغلین بازار کار می باشد.

### جمع بندی

برخلاف رویه معمول اصلاح ساختار اقتصاد از نظر متخصصین اقتصاد شاغل در بازار ضرورت تدوین چارچوب برای دروس فعلی و همچنین اضافه نمودن دروس و گرایش های کاربردی معیارهای اولویت دار اصلاح رشته اقتصاد می باشد و تقویت دروس بومی سازی شده و آشنایی با بحران ها در اصلاح دوره کارشناسی کمتر توصیه می شود. لذا به نظر باید از دیدگاه نیاز بازار کار به این موضوعات در اصلاح رشته اقتصاد توجه ویژه شود.

## منابع و مأخذ

- احمدی، علی محمد، (۱۳۸۹)، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۸
- اصغری محمود، جستاری پیرامون اقتصاد رفاه/نقد و بررسی نظریه پاره تو، اندیشه حوزه، ۳۱، آذر و دی ۱۳۸۰
- انس الزرقا محمد (باقری مجتبی)، تابع رفاه اجتماعی از دیدگاه اسلام، فصلنامه موسسه مطالعات دین و اقتصاد، ۲، پاییز ۱۳۸۵
- بختیاری صادق، اقتصاد اثباتی، اقتصاد هنجاری و اقتصاد اسلامی، فصلنامه مفید، ۲۳، پاییز ۱۳۷۹
- حائری سیدکاظم و یوسفی احمدعلی، اقتصاد اسلامی و روش کشف آن از دیدگاه شهید صدر، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ۱، سال اول
- دادگر یدالله و رحمانی تیمور، مبانی و اصول علم اقتصاد، تبریز، فروزش، ۱۳، ۱۳۹۱
- دادگر یدالله، کارآیی، رفاه و عدالت در اسلام و اقتصاد متعارف، یدالله دادگر، مجله علمی پژوهشی نامه مفید، ۱۷، بهار ۱۳۸۷
- دادگر یداله، درآمدی بر روش شناسی علم اقتصاد، تهران، نشر نی، ۳، ۱۳۹۲
- درخشان، مسعود، (۱۳۹۱)، بومی سازی اقتصادی و اقتصاد اسلامی ملاحظاتی در رویکرد های تطبیقی و مبنایی، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، سال هفدهم، شماره ۵۲، ۷۱-۳۳
- زراء نژاد، منصور، (۱۳۹۲)، مقدمه ای بر آموزش اقتصاد با رویکرد بومی سازی و نوین سازی، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سیزدهم، شماره دوم، ۷۷-۸۸
- سیف احمد، درآمدی بر اقتصاد و تحولات در اندیشه‌ی اقتصادی، سایت [www.pecritique.com](http://www.pecritique.com)
- شاکری عباس، مروری تاریخی بر روند شکل گیری نظریه های اقتصاد کلان، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، ۲۳، تابستان ۸۴
- صادقی حسین، اقتصاد خرد اسلامی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱، ۱۳۷۴
- صدر سیدکاظم، تعامل علم اقتصاد و مکتب اقتصاد اسلامی، نشریه پژوهشهای رشد و توسعه پایدار، ۵، ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۱
- عرب مازار عباس، دانش اقتصاد اسلامی از امکان تا واقعیت، نشریه اقتصاد اسلامی، ۶، پاییز ۱۳۸۵
- عربی سیدهادی، از اقتصاد اثباتی تا اقتصاد هنجاری (بنیان های فلسفی و ارزشی اقتصاد رفاه)، نشریه روش شناسی علوم انسانی، ۵۷، زمستان ۱۳۸۷
- قنبری اکبر، مبنای ارزشی نظام اقتصاد اسلامی، نشریه نقد و نظر، ۲۱ و ۲۲، زمستان و بهار ۷۸-۸۹
- کارگروه تحول اقتصاد شورای تحول علوم انسانی، برنامه پیشنهادی اصلاح رشته اقتصاد، وزارت علوم، ۱۳۹۴
- کریمی، محمد مهدی و پورمند، محمد؛ مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، شماره انتشار ۵۲۷، چاپ نهم، زمستان ۱۳۸۷.
- لیارد پی. آر. جی و والترز ا. (شاکری عباس)، تئوری اقتصاد خرد، تهران، نشر نی، ۸، ۱۳۹۲
- محتشم دولتشاهی طهماسب، مبانی علم اقتصاد، تهران، خجسته، ۴، ۱۳۸۱
- میرجلیلی سیدحسین، مروری بر اقتصاد کلاسیک و مکتب های آن، نشریه فرهنگ، ۶۶، تابستان ۱۳۸۷
- میرمعزی حسین و قائمی نیا علی اصغر، نقدی بر تعریف علم اقتصاد از منظر مبانی اسلامی، نشریه اقتصاد اسلامی، ۴۳، پاییز ۱۳۹۰